

برنام‌حداوندجان‌و

رویکردی آموزشی به جامعه‌شناسی زبان



دکتر رضا پیش‌قدم
استاد دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر الهام ناجی میدانی
دکتر آیدا فیروزیان پوراصفهان‌ی
عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (علیه‌السلام)

سرشناسه:	پیش‌قدم، رضا، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور:	رویکردی آموزشی به جامعه‌شناسی زبان / پدیدآورندگان رضا پیش‌قدم، الهام ناجی‌میدانی، آیدا فیروزیان پوراصفهانی؛ ویراستار ادبی هانیه اسدپور فعال مشهد.
مشخصات نشر:	مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۳۰۰ ص. مصور، جدول.
فروست:	انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۷۵۶.
شابک:	ISBN: 978-964-386-447-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فاپا.
یادداشت:	کتابنامه، نمایه.
موضوع:	جامعه‌شناسی زبان -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع:	Sociolinguistics: Study and teaching (Higher)
موضوع:	جامعه‌شناسی زبان -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع:	Sociolinguistics: Examinations, questions, etc. (Higher)
موضوع:	جامعه‌شناسی زبان -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع:	Sociolinguistics -- Iran -- Study and teaching (Higher)
موضوع:	زبان انگلیسی -- ایران -- فراگیری -- راهنمای آموزشی (عالی)
موضوع:	English language -- Acquisition -- Iran -- Study and teaching (Higher)
موضوع:	زبان انگلیسی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
موضوع:	English language -- Acquisition -- Iran -- Examinations, questions, etc. (Higher)
شناسه افزوده:	ناجی‌میدانی، الهام، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده:	فیروزیان پوراصفهانی، آیدا، ۱۳۶۳ -
شناسه افزوده:	اسدپور فعال مشهد، هانیه، ویراستار.
شناسه افزوده:	دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
رده‌بندی کنگره:	P40
رده‌بندی دیویی:	۳۰۶/۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۶۱۴۹۷۱۶

رویکردی آموزشی به جامعه‌شناسی زبان

پدیدآورندگان: دکتر رضا پیش‌قدم؛ دکتر الهام ناجی‌میدانی؛ دکتر آیدا فیروزیان پوراصفهانی
ویراستار ادبی: هانیه اسدپور فعال مشهد
مشخصات: وزیری، ۱۰۰ نسخه، چاپ دوم، زمستان ۱۴۰۴ (اول، ۱۳۹۹)
چاپ و صحافی: همیار
بها: ۵۱۰۰/۰۰۰ ریال



انتشارات
۷۵۶

حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست
گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
مؤسسه دانشوران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
تلفنکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۹

بخش ۱: زبان، فرهنگ و هویت

فصل ۱: فرهنگ و ماهیت آن.....	۱۳
۱-۱ مفهوم لغوی «فرهنگ».....	۱۴
۱-۱-۱ مفهوم لغوی «فرهنگ» در زبان فارسی.....	۱۴
۲-۱-۱ معادل لغوی «فرهنگ» در زبان‌های اروپایی.....	۱۵
۲-۱ تعاریف مختلف فرهنگ از منظر صاحب‌نظران گوناگون.....	۱۵
۳-۱ ویژگی‌های فرهنگ.....	۱۷
۴-۱ الگوهای استعاری فرهنگ.....	۲۱
۱-۴-۱ فرهنگ به‌مثابه کوه یخ.....	۲۱
۲-۴-۱ فرهنگ به‌مثابه درخت.....	۲۲
۳-۴-۱ فرهنگ به‌مثابه پیاز.....	۲۳
۵-۱ دسته‌بندی‌های فرهنگ.....	۲۷
۲-۵-۱ فرهنگ C بزرگ و c کوچک.....	۲۷
۳-۵-۱ فرهنگ عینی در مقابل فرهنگ ذهنی.....	۲۸
۶-۱ نقش فرهنگ در آموزش زبان.....	۳۰
۷-۱ سخن پایانی.....	۳۲

فصل ۲: آشنایی با برخی از الگوهای فرهنگی..... ۳۷

۱-۲ الگوی گیت‌هافستد.....	۳۸
۲-۲ الگوی ادوارد تویچل‌هال.....	۴۰
۳-۲ الگوی مایکل باند.....	۴۲
۴-۲ الگوی شالوم شوآرتز.....	۴۴
۵-۲ کاربرد الگوی هافستد در آموزش.....	۴۵
۶-۲ سخن پایانی.....	۴۷

۵۱	فصل ۳: ارتباط میان زبان، فرهنگ و هویت
۵۲	۱-۳ تعریف هویت
۵۴	۲-۳ هویت و زبان
۵۵	۳-۳ ارتباط میان هویت، زبان و فرهنگ
۵۶	۴-۳ هویت فرهنگی
۵۷	۵-۳ هویت و یادگیری زبان دوم/خارجی
۵۹	۶-۳ سخن پایانی
۶۳	فصل ۴: زبان، جنسیت و هویت جنسیتی
۶۴	۱-۴ تعریف جنسیت
۶۵	۲-۴ زبان و مقوله فرهنگی جنسیت
۶۷	۳-۴ گویش جنسیتی
۶۸	۴-۴ هویت جنسیتی
۷۰	۵-۴ جنسیت و الگوهای زبانی در جامعه
۷۱	۶-۴ هویت جنسیتی در آموزش
۷۴	۷-۴ سخن پایانی

بخش ۲: زبان، ذهن و جهان پیرامون

۷۹	فصل ۵: فرضیه ساپیر- ورف
۸۰	۱-۵ ارتباط میان زبان و تفکر
۸۱	۲-۵ شکل‌گیری فرضیه ساپیر- ورف
۸۲	۳-۵ نسخه قوی و ضعیف فرضیه ساپیر- ورف
۸۴	۴-۵ رویکردهای موجود نسبت به فرضیه ساپیر- ورف
۸۵	۵-۵ کاربردهای فرضیه نسیت زبانی در آموزش زبان
۸۶	۶-۵ نگاهی به سایر کاربردهای فرضیه نسیت زبانی
۸۷	۱-۶-۵ زبان جنسیتی
۸۸	۲-۶-۵ بهداشت کلامی
۸۸	۳-۶-۵ ارتباطات میان فرهنگی
۸۹	۷-۵ نقدهای واردشده بر فرضیه ساپیر- ورف
۹۱	۸-۵ سخن پایانی

فصل ۶: ارتباط میان زبان و ذهن از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی	۹۵
۱-۶ مفهوم «شناخت»	۹۶
۲-۶ زبان‌شناسی شناختی	۹۷
۳-۶ استعاره در زبان‌شناسی شناختی	۹۹
۴-۶ کاربردهای زبان‌شناسی شناختی در آموزش زبان	۱۰۲
۱-۴-۶ استفاده از استعاره مفهومی برای یادگیری معانی فرهنگی اجتماعی زبان خارجی	۱۰۲
۲-۴-۶ استفاده از استعاره مفهومی جهت بررسی باورهای نهفته مدرسان و زبان‌آموزان	۱۰۳
۳-۴-۶ به کارگیری استعاره‌های حسی در آموزش زبان	۱۰۴
۴-۴-۶ توجه بیشتر به فرم‌های زبانی	۱۰۴
۵-۴-۶ معنادار بودن ساختارهای دستوری	۱۰۵
۶-۴-۶ اهمیت بافت در آموزش زبان	۱۰۵
۷-۴-۶ به کاربردن فرضیه بدن‌مندی شناخت	۱۰۵
۸-۴-۶ آموزش چندحسی	۱۰۶
۵-۶ سخن پایانی	۱۰۷
فصل ۷: نسبیت هیجانی حسی: گامی فراتر از نسبیت زبانی	۱۱۱
۱-۷ حواس	۱۱۲
۲-۷ هیجان	۱۱۳
۳-۷ هیجامد	۱۱۷
۴-۷ کاربرد مفهوم هیجامد در آموزش زبان	۱۲۱
۵-۷ نسبیت هیجانی حسی	۱۲۲
۱-۷ سخن پایانی	۱۲۴

بخش ۳: آموزش فرهنگ

فصل ۸: روش‌های تدریس فرهنگ در آموزش زبان خارجی	۱۳۱
۱-۸ فرهنگ در حوزه آموزش/یادگیری زبان خارجی	۱۳۲
۲-۸ جایگاه فرهنگ در رویکردها و روش‌های مختلف آموزش زبان	۱۳۶
۳-۸ روش‌ها و تکنیک‌های آموزش فرهنگ در آموزش زبان خارجی	۱۳۶
۴-۸ تدریس فرهنگ با بهره‌گیری از الگوی روان‌شناسانه هیجامد	۱۴۳
۵-۸ سخن پایانی	۱۴۵

بخش ۴: نمود فرهنگ در زبان

فصل ۹: زبان به‌عنوان کنش: نظریه کنش گفتار	۱۵۱
۱-۹ مبانی نظریه کنش گفتار	۱۵۲
۲-۹ نظریه‌های کنش گفتار	۱۵۳
۱-۲-۹ الگوی آستین (۱۹۶۲)	۱۵۳
۲-۲-۹ الگوی سرل (۱۹۶۹)	۱۵۴
۳-۹ کنش‌های گفتاری به‌عنوان ویژگی‌های همگانی یا فرهنگ‌وابسته	۱۵۶
۴-۹ کاربرد نظریه کنش گفتار در حوزه آموزش و یادگیری زبان	۱۵۸
۵-۹ سخن پایانی	۱۶۰
فصل ۱۰: فرهنگ‌کاوی زبان با بهره‌گیری از ابزار زبانهنگ	۱۶۵
۱-۱۰ زبان	۱۶۶
۲-۱۰ فرهنگ	۱۶۸
۳-۱۰ تعامل زبان و فرهنگ	۱۶۹
۴-۱۰ زبانهنگ	۱۷۰
۵-۱۰ فرازبانهنگ	۱۷۱
۶-۱۰ فرهنگ‌کاوی زبان	۱۷۲
۷-۱۰ نقش فرهنگ‌کاوی زبان در آموزش زبان	۱۷۳
۸-۱۰ سخن پایانی	۱۷۴
فصل ۱۱: مروری بر تعدادی از زبانهنگ‌های حاکم در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی	۱۷۹
۱-۱۱ فرازبانهنگ جمع‌گرایی	۱۸۰
۲-۱۱ زبانهنگ تقدیرگرایی / جبرگرایی	۱۸۲
۳-۱۱ زبانهنگ هوش هیجانی‌افزا	۱۸۳
۴-۱۱ زبانهنگ صراحت‌گرایی	۱۸۳
۵-۱۱ زبانهنگ میل به ترکیب ملیت با مذهب	۱۸۵
۶-۱۱ زبانهنگ مرگ‌محوری و شادی‌گریزی	۱۸۵
۷-۱۱ زبانهنگ فردیت‌پرهیزی	۱۸۷
۸-۱۱ زبانهنگ قدرت / احترام‌محوری	۱۸۸
۹-۱۱ زبانهنگ مذهب‌گریزی	۱۸۸

۱۸۹	۱۰-۱۱ زباهنگ مسئولیت‌گریزی
۱۹۰	۱۱-۱۱ زباهنگ خانواده‌محوری
۱۹۰	۱۲-۱۱ به‌کارگیری زباهنگ‌ها در آموزش زبان فارسی
۱۹۱	۱۳-۱۱ سخن پایانی

بخش ۵: زبان، خانواده و جامعه

۱۹۷	فصل ۱۲: زبان و اجتماعی شدن
۱۹۸	۱-۱۲ اجتماعی شدن
۲۰۰	۲-۱۲ اجتماعی شدن در خانواده
۲۰۰	۱-۲-۱۲ عادات و آیین‌ها
۲۰۱	۲-۲-۱۲ ارتباطات صمیمی و عاطفی نزدیک
۲۰۱	۳-۲-۱۲ گفتمان والد-فرزند
۲۰۲	۴-۲-۱۲ تقلید
۲۰۲	۵-۲-۱۲ تشویق، پاداش و تنبیه
۲۰۳	۳-۱۲ نقش زبان در اجتماعی شدن
۲۰۶	۴-۱۲ اجتماعی شدن در ارتباط با زبان دوم/خارجی
۲۰۸	۵-۱۲ سخن پایانی

۲۱۳	فصل ۱۳: سرمایه و یادگیری زبان
۲۱۴	۱-۱۳ سرمایه و انواع آن
۲۱۵	۲-۱۳ سرمایه اجتماعی
۲۱۷	۳-۱۳ سرمایه فرهنگی
۲۱۹	۴-۱۳ سرمایه هیجانی
۲۲۰	۵-۱۳ سرمایه هیجانی حسی
۲۲۱	۶-۱۳ نقش انواع سرمایه در یادگیری زبان
۲۲۳	۷-۱۳ سخن پایانی

بخش ۶: برنامه‌ریزی آموزشی زبان انگلیسی

۲۲۹	فصل ۱۴: برنامه‌ریزی و سیاست زبان
۲۳۰	۱-۱۴ تعاریف برنامه‌ریزی و سیاست زبانی
۲۳۲	۲-۱۴ اهداف برنامه‌ریزی زبانی

۲۳۳	۳-۱۴ مؤلفه‌ها و مراحل برنامه‌ریزی زبانی
۲۳۳	۴-۱۴ رویکردهای نئوکلاسیک و تاریخی ساختاری
۲۳۴	۵-۱۴ الگوهای برنامه‌ریزی زبانی
۲۳۶	۶-۱۴ برنامه‌ریزی آموزشی زبان
۲۳۸	۷-۱۴ سخن پایانی
۲۴۳	فصل ۱۵: امپریالیسم زبانی فرهنگی
۲۴۴	۱-۱۵ امپریالیسم
۲۴۴	۲-۱۵ امپریالیسم زبانی
۲۴۷	۳-۱۵ زبان و جهانی شدن
۲۴۸	۴-۱۵ امپریالیسم فرهنگی
۲۵۲	۵-۱۵ امپریالیسم زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران
۲۵۴	۶-۱۵ سخن پایانی
۲۵۷	فصل ۱۶: انگلیسی‌های جهانی
۲۵۸	۱-۱۶ پسامدرنیته
۲۶۰	۲-۱۶ پسااستعمار
۲۶۱	۳-۱۶ پسااروش
۲۶۳	۴-۱۶ نظریه انگلیسی‌های جهانی
۲۶۷	۵-۱۶ کاربرد نظریه انگلیسی‌های جهانی در آموزش زبان
۲۶۹	۶-۱۶ سخن پایانی
۲۷۳	فصل ۱۷: آموزش زبان انگلیسی کاربردی
۲۷۴	۱-۱۷ پیدایش نظریه آموزش زبان انگلیسی کاربردی
۲۷۸	۲-۱۷ طرح درس زندگی‌محور
۲۸۱	۳-۱۷ پررنگ کردن فرهنگ بومی در کلاس‌های زبان
۲۸۳	۴-۱۷ سخن پایانی
۲۸۹	نمایه فارسی
۲۹۶	Index

پیشگفتار

مجموعه حاضر محصول تلاش و پژوهش‌های مستمر مؤلفان در حوزه جامعه‌شناسی زبان است که با رویکردی آموزشی، مهم‌ترین موضوعات مربوط به این علم را مدنظر قرار داده‌اند و نتایج آن در ۶ بخش و ۱۷ فصل به‌رشته تحریر درآمده است. آنچه که این کتاب را از سایر مجموعه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی زبان متمایز می‌کند، بررسی آرای جامعه‌شناسی و تبیین کاربرد آن‌ها به‌لحاظ آموزشی است. در واقع، نگارندگان تلاش کرده‌اند با مطرح کردن مفاهیم نوینی همچون «هیجامد»، «زبانگ»، «سرمایه هیجانی حسی» و «آموزش زبان کاربردی»، مخاطب را تشویق کنند تا موضوعات جامعه‌شناسی زبان را با رویکردی بومی مطالعه و دیدی متفاوت نسبت به آن‌ها پیدا کند.

بخش اول به سه مقوله زبان، فرهنگ، هویت و ارتباط میان آن‌ها می‌پردازد و ماهیت فرهنگ، الگوهای فرهنگی، هویت و انواع آن از جمله هویت جنسیتی و کاربردهای آن‌ها در آموزش زبان را توضیح می‌دهد. بخش دوم ارتباط میان زبان، ذهن و جهان پیرامون را مدنظر قرار داده و به مفاهیمی همچون «نسبیت زبانی» و «نسبیت هیجانی حسی» که الهام گرفته از نظریه «هیجامد» است، می‌پردازد. بخش سوم به معرفی روش‌ها و رویکردهای آموزش فرهنگ در آموزش زبان خارجی اختصاص دارد. در بخش چهارم، فرهنگ مستتر در زبان یا به عبارتی نموده‌های فرهنگ در زبان مانند «کنش‌های گفتاری» بررسی می‌شوند و به مفهوم «زبانگ» نیز پرداخته می‌شود. در بخش پنجم، نقش زبان در خانواده و چگونگی انتقال آن به جامعه با ارائه مفاهیم «اجتماعی شدن» و «سرمایه» تبیین می‌گردد و در نهایت در بخش ششم، به برنامه‌ریزی آموزشی زبان انگلیسی با رویکردی بومی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است در پایان هر فصل از کتاب پرسش‌هایی مطرح شده است که خواننده را به مرور و بازخوانی دقیق‌تر وامی‌دارد و از سوی دیگر موجب تأمل و تفکر وی در مطالب، ارزیابی آن‌ها و یافتن راه‌هایی جهت عملی ساختن آن‌ها در امر یادگیری و آموزش می‌گردد.

امید است کتاب حاضر مورد استفاده خوانندگان محترم به‌ویژه پژوهشگران، مدرسان و دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، آموزش زبان و زبان‌شناسی قرار گیرد. نگارندگان از هر نقد و پیشنهادی که به ارتقای کیفی این اثر کمک کند، استقبال می‌کنند.

رضا پیش‌قدم

الهام ناجی‌میدانی

آیدا فیروزیان پوراصفهانی

بخش ۱

زبان، فرهنگ و هویت

در این بخش به بررسی سه مقولهٔ زبان، فرهنگ و هویت و ارتباط میان آن‌ها پرداخته می‌شود. در فصل اول **فرهنگ و ماهیت آن** بررسی می‌شود. مفهوم لغوی فرهنگ در زبان فارسی و زبان‌های اروپایی، ویژگی‌های فرهنگ، الگوهای استعاری فرهنگ، دسته‌بندی‌های مهم و دیدگاه‌های اصلی در مورد نقش فرهنگ در آموزش زبان توضیح داده می‌شوند.

در فصل دوم سعی بر آن است که **آشنایی با برخی الگوهای فرهنگی** صورت گیرد و کاربرد الگوی هافستد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای فرهنگی در آموزش زبان تبیین گردد.

فصل سوم مبحث هویت را به‌میان می‌آورد و به **ارتباط میان زبان، فرهنگ و هویت** می‌پردازد. تأثیرات یادگیری زبان خارجی بر هویت افراد نیز بررسی می‌گردد.

در فصل چهارم، یکی از انواع مهم هویت که هویت جنسیتی است، توضیح داده می‌شود و به ارتباط میان **زبان، جنسیت و هویت جنسیتی** نیز پرداخته می‌شود.



فرهنگ^۱ و ماهیت آن



شکل ۱-۱ ارتباطات فرهنگی

«فرهنگ» از جمله مفاهیم و مضامینی است که تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. این واژه با وجود تعدد و گستردگی کاربرد توانسته است تفاسیر و معانی متعدّد و متنوعی را در بطن خود جای دهد. فصل حاضر به بررسی ماهیت و چیستی فرهنگ می‌پردازد. بدین ترتیب، در ابتدا به مفهوم لغوی فرهنگ در زبان فارسی و زبان‌های اروپایی پرداخته می‌شود. سپس، تعاریف مختلف ارائه شده از فرهنگ که تا حدّ زیادی معلول زوایای متفاوت نگرش به آن است، ارائه خواهند شد. در پایان نیز به‌طور مختصر، نمودها، ویژگی‌ها، الگوهای استعاری فرهنگ و دسته‌بندی‌های مختلف از آن بررسی خواهند شد.

مفاهیم کلیدی فصل

- ۱- مفهوم لغوی فرهنگ
- ۲- تعاریف مختلف فرهنگ از منظر صاحب‌نظران گوناگون
- ۳- ویژگی‌های فرهنگ
- ۴- الگوهای استعاری فرهنگ
- ۵- دسته‌بندی‌های فرهنگ
- ۶- نقش فرهنگ در آموزش زبان

۱-۱ مفهوم لغوی «فرهنگ»

واژه «فرهنگ» همچون بسیاری از واژه‌های تخصصی موجود در علم جامعه‌شناسی که در معنای علمی مختص به خود متداول هستند، گاه در سطح جامعه در معانی و اطلاق‌های غیرجامعه‌شناختی استفاده می‌شود. دلیل عمده این امر را می‌توان گستردگی معنا و ابهام موجود در این مفهوم در نظر گرفت (صدیقی فرد، ۱۳۸۹). براین اساس، در تلاش برای اینکه بتوان تاحدای ابهام موجود در واژه مذکور را برطرف کرد، در این بخش، نخست مفهوم لغوی فرهنگ در زبان فارسی و سپس در زبان‌های اروپایی بررسی خواهد شد.

۱-۱-۱ مفهوم لغوی «فرهنگ» در زبان فارسی

واژه «فرهنگ» در زبان فارسی از دو جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از: «فر» به‌عنوان یک واژه مستقل در معنی شکوه، عظمت، جلال، بزرگی، نیروی معنوی، درخشندگی و یا یک پیشوند به‌معنای جلو، بالا، پیش و بیرون (تکواژ «فر» در ترکیب «فرهنگ» یک پیشوند به‌شمار می‌رود).

ب. «هنگ» از ریشه اوستایی «نگ»^۱ به‌معنی بیرون کشیدن، سنگینی، وزن، گروه، وقار و... است (درست برابر با «هختن» که با پیشوند به‌صورت فرهنگ، فرهختن، آهخت، آهختن، آخته و... به کار رفته است). بنابراین، واژه «فرهنگ» در کل به‌معنی بالا کشیدن و بیرون کشیدن است (محمودی بختیاری، ۱۳۵۸). فرهنگ در معنای واژگانی خود، مفاهیمی چون تربیت، عقل، دانش و ادب را دربر می‌گیرد و افرادی که دارای فرهنگ هستند، معمولاً فرهیخته و پرورش یافته محسوب می‌شوند. در زندگی روزمره نیز در برخی موارد برای اشاره به یک شاعر، ادیب یا شخصی که مدت‌ها در حوزه آموزش و پرورش فعالیت دارد، از اصطلاح «فرهنگی» استفاده می‌شود. گاه این واژه در عنوان مراکز چون «فرهنگستان علوم و ادب» و «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» نیز به‌عنوان نهادها و سازمان‌هایی که عمده‌ترین فعالیتشان علم و ادب پروری است، استفاده می‌شود و گاهی نیز فرهنگ به کتاب جامعی از واژه‌های یک زبان اشاره دارد (صدیقی فرد، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر، واژه «فرهنگ» را می‌توان در معانی استخراج دانش، معرفت، قابلیت‌های افراد یک جامعه، نیروهای درونی انسان‌ها و به‌ثمرنشاندن توانمندی‌های بشر تعریف کرد. برخی بر این باورند که «فرهنگ» یعنی از ژرفای وجود افراد ملتی یا از درون یک جامعه، دانستنی‌ها، مکنونات، نیروهای نهفته، تراویده‌های مستقل ذهنی و استعدادهای درونی و ویژه فردی را بیرون کشیدن و آشکار ساختن و در نتیجه افزودن و پربار کردن پدیده‌ها و خلاقیت‌های شناخته و ناشناخته آدمی (محمودی بختیاری، ۱۳۵۸).

1. Thanga

۱-۲ معادل لغوی «فرهنگ» در زبان‌های اروپایی

«واژه کولتور (در زبان فرانسوی) و کالچر (در زبان انگلیسی) با اصطلاح «فرهنگ» معادل هستند» (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۵). معانی ابتدایی واژه «فرهنگ» در زبان انگلیسی به پرورش حیوانات و به عمل آوردن محصولات زراعی بازمی‌گردد. ریشه این واژه در فرانسه «کولت» و در انگلیسی «کالت» به معنای آیین، کیش، پرستش و نیایش است. واژه «کولتور» یا «کالچر» به انگلیسی در اصل ریشه لاتینی به معنای کشت و کار و کشاورزی داشته و در زبان لاتینی به معنای تکه زمین شخم‌خورده بوده است. این واژه از قرن شانزدهم میلادی به معنای پرورش، ادب، آداب و آموختن آن، رفتار اجتماعی، پرورش ذهن و ادب‌آموزی اشاره داشته است. در طی قرون شانزدهم تا نوزدهم، واژه «فرهنگ» رفته‌رفته در معنای بهبود و اصلاح جامعه استفاده می‌شد و به منزله نوعی معادل «ارزشی» برای «تمدن» به کار می‌رفت و بالاخره در اواخر قرن نوزدهم، تعاریف مختلف «فرهنگ» با تأکید بر سنت و زندگی روزمره ارائه می‌شدند (اسمیت، ۱۳۸۳). در قرن بیستم میلادی، فرهنگ به‌عنوان مفهومی محوری و کلیدی در انسان‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گرفت و دربردارنده تمامی پدیده‌های انسانی بود و صرفاً نتیجه امور ژنتیکی به‌شمار نمی‌آمد (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰).

۱-۲ تعاریف مختلف فرهنگ از منظر صاحب‌نظران گوناگون

همان‌طور که گفته شد، «فرهنگ» از جمله اصطلاحاتی است که به راحتی نمی‌توان آن را تعریف کرد. در سال ۱۹۵۲، دو مردم‌شناس آمریکایی، کروبر^۱ و کلاکن^۲، در تلاش برای شناسایی صحیح و دقیق فرهنگ، تعاریف و مفاهیم ارائه‌شده از آن را نقد و بررسی کردند و سرانجام توانستند ۱۶۴ تعریف مختلف از «فرهنگ» را در کتابی تحت‌عنوان فرهنگ بازمینی انتقادی مفاهیم و تعریف^۳ گردآوری کنند. اپته^۴ (۱۹۹۴، ص. ۲۰۱) نویسنده دایرةالمعارف ده جلدی زبان و زبان‌شناسی^۵، در ارتباط با تعاریف موجود از «فرهنگ» چنین بیان می‌کند که برخلاف یک قرن تلاش برای ارائه تعریفی مناسب از فرهنگ، تا ابتدای دهه ۱۹۹۰ مردم‌شناسان در مورد ماهیت فرهنگ به هیچ اتفاق نظری دست نیافتند.

در ادامه برخی از تعاریف ارائه‌شده از «فرهنگ» از منظر برخی از صاحب‌نظران آورده شده است: تایلر^۶: (مردم‌شناس انگلیسی): «فرهنگ ... کلیت پیچیده‌ای است که شامل دانش، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هر نوع توانایی و عاداتی است که توسط انسان به‌عنوان عضوی از جامعه فراگرفته می‌شود» (تایلر، ۱۸۷۰، ص. ۱، به نقل از آوروچ^۷، ۱۹۹۸، ص. ۶).

1. Kroeber, A. L.
2. Kluckhohn, C.
3. Culture: A critical review of concepts and definitions
4. Apte, M.
5. Encyclopedia of language and linguistics
6. Tyler, E. B.
7. Avruch, K.

کرامش^۱: «فرهنگ یک سازه اجتماعی^۲ است، محصول خود و ادراک دیگران». براساس این تعریف، فرهنگ تنها جمعی نیست، بلکه فردی نیز می‌باشد (۱۹۹۳، ص. ۲۰۵).

کروبر و کلاکن: «فرهنگ شامل الگوهای رفتاری آشکار و غیرآشکاری است که توسط نمادها^۳ فراگرفته و انتقال داده می‌شوند و درنهایت، دستاوردهای متمایز گروه‌های بشری را به وجود می‌آورند. هسته اساسی فرهنگ شامل عقاید و باورهای سنتی و خصوصاً ارزش‌هایی است که افراد به آن باور دارند» (کروبر و کلاکن، ۱۹۵۲، ص. ۱۸۱).

هافستد^۴: «[فرهنگ] برنامه‌ریزی جمعی ذهن است که اعضای یک گروه یا طبقه‌ای از افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند» (۱۹۹۴، ص. ۵). هافستد دو نوع فرهنگ را از هم متمایز می‌کند: یک فرهنگ که در موسیقی، ادبیات و امثال آن جلوه می‌کند و تأکید آن بر یک محصول و یک دست‌ساخته است و میراث فرهنگی جامعه را شکل می‌دهد؛ دیگری «نرم‌افزاری ذهنی» است که پدیده‌ای جمعی است و همه مردمی که در آن محیط زندگی می‌کنند، در آن سهیم هستند و اعضای یک گروه را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند. این نوع فرهنگ شامل نهادها، نظام قانونی، شیوه اداره جامعه، الگوهای خانواده و هنجارهای اجتماعی است و کلاً همه فعالیت‌ها، کنش‌های متقابل و دادوستدهای جامعه را شامل می‌شود (هافستد، ۱۹۹۴).

شوآرتز^۵: «فرهنگ دربردارنده مشتقات تجربه‌ای است که کم‌وبیش سازمان‌دهی شده بوده و توسط افراد یک جامعه آموخته و ایجاد می‌شوند و ممکن است شامل تصاویر، رمزگزاریه‌ها و تعابیر آن‌ها (معانی) باشد که یا از نسل‌های گذشته منتقل شده یا در عصر حاضر ایجاد شده‌اند و یا خود افراد آن‌ها را به وجود آورده‌اند» (شوآرتز، ۱۹۹۲، به نقل از آوروچ، ۱۹۹۸، ص. ۱۷).

موران^۶: «یک پدیده فرهنگی شامل ساختارها یا صورت‌های ملموسی (محصولات^۷) است که اعضای یک فرهنگ (افراد^۸) در تعاملات مختلف (اعمال^۹) در گروه‌ها و شرایط اجتماعی خاص (جوامع^{۱۰}) از آن‌ها به گونه‌ای استفاده می‌کنند که ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات (دیدگاه^{۱۱}) آنان را انعکاس دهد» (۲۰۰۱، صص. ۲۶-۲۵). در این تعریف، پنج بُعد فرهنگ شامل محصولات، دیدگاه‌ها، اعمال، افراد و جوامع گنجانده شده است.

1. Kramsch, C.
2. Construct
3. Symbols
4. Hofstede, G.
5. Schwartz, T.
6. Moran, P. R.
7. Products
8. Persons
9. Practices
10. Communities
11. Perspective